

بررسی عوامل تعیین‌کنندهٔ تعلق جوانان روستایی به محل زندگی خود

ولی اله رستمعلی‌زاده^۱

(تاریخ دریافت ۹۶/۰۵/۰۹، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۴/۰۱)

چکیده

احساس تعلق به مکان باعث می‌شود که افراد با توجه به احساسات و عواطف و بستگی‌هایی که به مکان‌های خاص دارند، در جهت بهبود امور آن مشارکت و سرمایه‌گذاری کنند. پژوهش حاضر درصدد مطالعهٔ تعیین‌کننده‌های تعلق به مکان در میان جوانان روستایی است. در پژوهش حاضر، با روش توصیفی-هم‌بستگی، متغیرهای مرتبط با تعلق به مکان اولویت‌بندی شده و تعیین‌کننده‌های اصلی تعلق به مکان، از طریق تحلیل عاملی، تعیین شده‌اند و سپس، نقش هر عامل در تبیین تعلق به مکان محاسبه شده است. جامعهٔ آماری تحقیق را جوانان روستایی ۱۵ تا ۳۰ سالهٔ شهرستان‌های اسکو و هشترود در استان آذربایجان شرقی تشکیل داده‌اند و حجم نمونه ۷۶۹ نفر است. بر اساس نتایج پژوهش ۹ عامل در تعلق جوانان روستایی به محل زندگی‌شان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و در مجموع ۵۳ درصد از واریانس تعلق به مکان را تبیین می‌کنند. عوامل تعیین‌کننده عبارت‌اند از: محیط و طبیعت روستا، تأمین نیازها/ پاسخ به نیازها، احساس هویت، مشارکت در امور جمعی روستا، رضایت از روستا، داشتن شغل مناسب، احساس آزادی و رضایت از ارتباط با مردم، مسئولیت‌پذیری و مراودات همسایگی و خویشاوندی.

واژگان کلیدی: تعلق به مکان، تعلق به روستا، جوانان روستایی، اسکو، هشترود.

۱. استادیار موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور v.rostamalizadeh@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین مسائل امروز روستاهای ایران خروج جمعیت جوان از روستاهاست. باین‌حال، برخی از عوامل، از جمله احساس تعلق خاطر به مکان زندگی و رضایت از زندگی روستایی، می‌توانند زمینه ترغیب روستاییان و به‌ویژه جوانان روستایی را به زندگی در روستاها فراهم کنند و مانع مهاجرت نابهنگام و خطرناک آنان به شهرها شوند (رستمعلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲؛ رکن‌الدین افتخاری و محمدی سلیمانی، ۱۳۸۱؛ ارتباعتی و همکاران، ۱۳۹۰). تصمیم‌های کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، برای برنامه‌ریزی نقل مکان، مبتنی بر احساس رضایت کلی از اجتماع محلی و سطح تعلق به اجتماع محلی است (لانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). تعلق خاطر یا احساس تعلق به اجتماع محلی را می‌توان نوعی وابستگی یا دل‌بستگی تعریف کرد که در آن عوامل متعددی دخیل‌اند. تعلق خاطر را از دیدگاه جوان روستایی می‌توان این‌گونه تعریف کرد: میزان تعلق که جوان روستایی به جامعه خود دارد، یا دوستی‌ها و انجمن‌هایی که با افراد دیگر جامعه دارد و برنامه‌ریزی‌هایی که به‌خاطر آن جامعه خود را بر مسائل و برنامه‌های شخصی ترجیح می‌دهد. تعلق خاطر فرد به جامعه روستایی معادل است با میزان وفاداری به جامعه روستایی و تعداد افرادی که در جامعه شبیه او هستند و مانند او زندگی می‌کنند. هنگامی که فرد میزان تصدیق و اجماع نظر میان افراد جامعه خود را بسیار بالا می‌بیند، دل‌بستگی او به جامعه زیاد می‌شود. در درجه آخر نیز میزان موفقیت جامعه برای فرد بسیار مهم می‌شود. همه این عوامل در کنار هم میزان تعلق خاطر جوان روستایی را به زندگی روستایی و محیط زندگی‌اش می‌سازد و در او وابستگی و دل‌بستگی به محیط را به‌وجود می‌آورد (آستین‌فشان و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۱۴). همواره، ارتباطی عمیق و کارکردی میان تعلق به اجتماع محلی و سه مؤلفه مهم برقرار است: (۱) تصمیم‌گیری برای ترک اجتماع محلی یا ماندن در آن، (۲) تلاش برای بهبود، حفاظت و مشارکت در اجتماع محلی، و (۳) پیامدهای مثبتی چون سلامتی و به‌زیستی.

احساس تعلق هم زمینه سرمایه‌گذاری در روستا را فراهم می‌کند و هم در تصمیم‌گیری برای ترک مکان‌های روستایی دخیل است (پریتی^۲ و همکاران، ۲۰۰۶؛ دمی^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). تعلق به مکان و منطقه محلی پیامدهای بسیار مثبتی برای سلامتی و مشارکت در

1. Long
2. Pretty
3. Demi

اجتماع محلی دارد (آنتون و لاورنس،^۱ ۲۰۱۴: ۴۵۱). این حس مشارکت مردم را در اقدامات و تلاش‌های حیات‌بخشی دوباره به اجتماع محلی^۲ (بهبود زندگی اجتماع محلی) به تصویر می‌کشد (منزو و پرکینز،^۳ ۲۰۰۶) و انگیزه لازم را برای مراقبت از محیط زندگی و نیز برای بازگشت به مکان‌هایی که برای افراد معنی دارد^۴ ایجاد می‌کند (تریل^۵ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۴۰-۱۴۱). علاوه بر این، این حس، نقش مهمی در بهزیستی افراد دارد (تئودوری،^۶ ۲۰۰۰). زمانی که فردی حس تعلق اجتماعی خود را به منطقه سکونتش از دست می‌دهد، به آن مکان اهمیت نمی‌دهد و ناگزیر منطقه را ترک می‌کند و رابطه دوطرفه بین فرد و جامعه از میان می‌رود. با کاهش حس تعلق، روحیه منفعت‌طلبی شخص تقویت می‌شود و فرد فقط به منافع شخصی‌اش می‌اندیشد (ناطق‌پور، ۱۳۸۳)؛ بنابراین، می‌توان گفت تعلق افراد به اجتماع محلی، نه تنها برای بهزیستی افراد، بلکه برای بهبود کیفیت زندگی و حفظ اجتماع محلی افراد مهم است. ویژگی حمایتی زندگی اجتماعی در روستاها احساس انزوای اجتماعی را کاهش می‌دهد و بر اعتماد به آینده اجتماع محلی می‌افزاید. این ویژگی با رضایت و تعلق روانی به منطقه محلی همراه می‌شود. ازسوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی در درون اجتماعات محلی، امکان دسترسی به منابع، حمایت عاطفی و اجتماعی و کمک عملی برای فائق آمدن بر مسائل اجتماعی، اقتصادی و شخصی را فراهم می‌کند. همه اینها افراد را به ماندن در محل زندگی دلگرم و ترغیب می‌کنند و حتی آنها را به تلاش برای بهبود زندگی و زیست‌پذیری محل زندگی‌شان وامی‌دارند.

بنابراین، تعلق به مکان^۷ باعث می‌شود افراد با توجه به احساسات و عواطف و بستگی‌هایی که به مکان‌های خاصی دارند، در آن مشارکت و سرمایه‌گذاری کنند و در جهت بهبود آن اقداماتی انجام دهند. با این تفاسیر، ضرورت مطالعه عوامل تعیین‌کننده تعلق به مکان در محیط‌های روستایی مشخص‌تر می‌شود. مسئله اصلی تحقیق این است که تعیین‌کننده‌های سازه تعلق به مکان در میان جوانان روستایی چیست.

1. Anton and Lawrence
2. Community Revitalization Efforts
3. Manzo & Perkins
4. meaningful Places
5. Trell
6. Theodori
7. Attachment to Place/ Place Attachment

این مطالعه در استان آذربایجان شرقی صورت گرفته است. مطالعه روند مهاجرت بین استانی در سه دهه اخیر (۱۳۶۵-۱۳۸۵) در ایران نشان می‌دهد که استان آذربایجان شرقی همواره جزء سه استان اولی بوده است که بیشترین درصد مهاجران را داشته است. در هر سه دوره ده ساله، استان تهران بیشترین خالص مهاجرت و استان آذربایجان شرقی کمترین خالص مهاجرت را داشته است (قاسمی اردبائی، ۱۳۹۲: ۱۱). در استان آذربایجان شرقی نیز، شهرستان هشتگرد مهاجرپرست‌ترین شهرستان استان بوده و شهرستان اسکو کمترین میزان مهاجر را داشته است؛ به همین دلیل، این دو شهرستان برای مطالعه انتخاب شده‌اند.

ادبیات پژوهش

تعلق مکانی برای اشاره به پیوند^۱ یا ارتباط^۲ عاطفی میان مردم و مکان‌های خاص به کار می‌رود (ریموند^۳ و همکاران، ۲۰۱۰؛ شرودر،^۴ ۲۰۰۸) و از معمول‌ترین روش‌ها برای مفهوم‌سازی و سنجش آن، که در مطالعات کاربردی استفاده شده است، تمرکز بر دو بعد احساسی و عاطفی^۵ و بعد رفتاری است (نقل از وو^۶ و تسای^۷، ۲۰۰۸: ۵). شاخص‌های تعلق را می‌توان به‌طور کلی در دو مقوله جای داد: نگرشی^۸ و رفتاری^۹ (شرودر، ۲۰۰۸). بعد احساسی معمولاً در اصطلاحات احساس تعلق و وابسته‌بودن فرد به اجتماع محلی را نشان می‌دهد (وو و تسای، ۲۰۰۸: ۵). ابعاد نگرشی تعلق، احساسات^{۱۰} افراد را به یک مکان یا منطقه/ ناحیه بازتاب می‌دهند؛ یعنی ارزیابی و رضایت افراد را از محل زندگی منعکس می‌کنند، درحالی‌که ابعاد رفتاری تعلق، درگیری/ مشارکت و تعامل افراد را با منطقه یا محل زندگی خود نشان می‌دهند. ابعاد رفتاری نیز به مشارکت رسمی (مشارکت در اجتماع محلی، از جمله عضویت در سازمان‌های محلی) و تعامل اجتماعی با دوستان، بستگان و همسایگان تقسیم می‌شوند (شرودر، ۲۰۰۸: ۱۷۹).

1. Bond
2. Link
3. Raymond
4. Schroder
5. Affective Dimension
6. Wu
7. Tsai
8. Attitudinal
9. Behavioural
10. Sentiments

ابعاد تعلق عاطفی/ احساسی شامل چگونگی وابسته شدن عاطفی فرد به محله،^۱ یا احساس او به بخشی از اجتماع محلی است. به تعبیر دیگر، در این بعد، حس روح جمعی،^۲ حس متعلق بودن^۳ و غرور و افتخار^۴ به محل زندگی وجود دارد. در برخی از مطالعات، در این بعد، از پاسخگویان خواسته‌اند تا سطح رضایت خود را از بسیاری از ویژگی‌های محله بیان کنند. نمونه‌هایی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: فرصت‌های شغلی، بهداشت و درمان/ مراقبت‌های بهداشتی و آموزش و پرورش محلی (همان، ۱۸۰). بنابراین، بعد نگرشی یا عاطفی، نگرش‌ها، احساسات و عواطف فرد را به اجتماع محلی و نیز رضایت از اجتماع محلی مرتبط می‌کند.

بعد رفتاری تعلق به‌طور کلی به مشارکت و درگیری در فعالیت‌های اجتماع محلی اشاره دارد (وو و تسای، ۲۰۰۸: ۶). ابعاد رفتاری تعلق در دو مقوله جای می‌گیرند: مشارکت و دخالت رسمی، و تعاملات غیررسمی. برای مثال، دخالت رسمی دربرگیرنده مشارکت در سازمان‌های محلی، تعهد و برعهده‌گرفتن کار داوطلبانه و آگاهی از حکومت محلی است (شرودر، ۲۰۰۸: ۱۸۰).

مشارکت غیررسمی در اجتماع محلی، به تعامل اجتماعی فرد با افراد دیگر (مانند خانواده، دوستان، همسایگان) ساکن در منطقه محلی اشاره دارد. مطالعات پیشین نیز اغلب بر گروه‌های دوستی محلی و سنجش شبکه‌های اجتماعی محلی به‌مثابه شاخص‌های تعلق متکی‌اند (براون،^۵ ۱۹۹۳؛ گادی،^۶ ۱۹۹۰). ثابت شده است که مشارکت اجتماعی محلی مهم‌ترین و باثبات‌ترین منبع گروه‌های عاطفی/ احساسی در پیوند با اجتماع محلی یا محله است (گادی، ۱۹۹۰). استفاده از فرصت‌های تعامل اجتماعی اولین گام ضروری در جهت ساخت اعتماد عمومی است که برای توسعه اجتماع محلی مبتنی بر سرمایه اجتماعی لازم است. این تناوب و تکرار از تعامل اجتماعی در حوزه‌های عمومی، تعلق به اجتماع محلی را در میان ساکنان ارتقا می‌دهد و استحکام می‌بخشد (وو و تسای، ۲۰۰۸: ۶).

اسکانل و گیفورد^۷ (۲۰۱۰) تعلق به مکان را مفهومی چندبعدی با ابعاد فردی، فرآیندی (فرآیند روان‌شناختی) و مکانی می‌دانند؛ یعنی آنها در دسته‌بندی جامع خود، حس تعلق به مکان را حاصل سازمان‌دهی سه‌وجهی شخصی، فرآیندی و مکانی دانسته‌اند (جدول ۱).

1. Local Neighbourhood
2. Sense of Community Spirit
3. Sense of Belonging
4. Pride
5. Brown
6. Goudy
7. Scannell and Gifford

جدول ۱. سازمان‌دهی سه‌وجهی تعلق به مکان

سطح فردی	بعد شخصی تعلق به مکان
سطح گروهی	
احساس و عاطفه ^۱	بعد فرآیند روان‌شناختی تعلق به مکان
شناخت	
رفتار	
مقیاس‌های مختلف جغرافیایی چون اتاق خانه، شهر، یا جهان و در دو سطح: تعلق کالبدی و اجتماعی.	بعد مکانی تعلق به مکان

منبع: اسکاتل و گیفورد (۲۰۱۰)

سطوح تعلق به مکان

تعلق به مکان در هر دو سطح فردی و گروهی رخ می‌دهد. در سطح فردی، تعلق به مکان شامل ارتباطات شخصی است که فرد با مکان دارد. تعلق مکانی برای محیط‌هایی که خاطرات شخصی را یادآوری می‌کنند قوی‌تر است. تصور می‌شود که این نوع از تعلق مکانی در ایجاد احساس ثبات از خود دخیل باشد. مکان‌ها از طریق تجربیات بااهمیت شخصی و تجربه‌های رشد شخصی معنی‌دار می‌شوند. مانزو^۲ (۲۰۰۵) اشاره می‌کند که «صرفاً خود مکان‌ها نیستند که معنی‌دارند، بلکه "تجربه در مکان"^۳ است که معنی را ایجاد می‌کند» (مانزو، ۲۰۰۵: ۷۴).

در سطح گروهی، تعلق مرکب از اعطای معانی نمادین به مکانی است که در میان اعضا مشترک است. تعلق مکانی شکل‌گرفته گروهی^۴ در فرهنگ‌ها، جنسیت‌ها، و مذاهب مختلف بررسی شده است. برای مثال، تعلق به‌مثابه فرآیند اجتماعی در گروه‌هایی توصیف شده است که به مناطقی وابستگی دارند که ممکن است تجربه‌ای از آنجا داشته باشند و بنابراین درصد حفظ فرهنگ خود برمی‌آیند. فرهنگ پیونددهنده افراد به مکان به‌واسطه نمادها، ارزش‌ها و تجربه‌های تاریخی مشترک است.

ابعاد روانی احساس به مکان

این بعد به شیوه‌ای عنایت دارد که افراد و گروه‌ها به مکانی مرتبط می‌شوند و ماهیت تعاملات روان‌شناختی‌ای را بررسی می‌کند که در این محیط‌ها بین افراد روی می‌دهد. سه جنبه روان‌شناختی از احساس به مکان عبارت‌اند از: (۱) احساس و عاطفه، (۲) شناخت و (۳) رفتار.

1. Affect
2. Manzo
3. Experience-In-Place
4. Group-Framed Place Attachment

پیوند فردی- مکانی،^۱ بی‌تردید، دربرگیرنده ارتباط عاطفی با مکانی خاص است. جغرافی دانان انسانی وابستگی مکانی^۲ را در اصطلاحات عاطفی/ احساسی^۳ توصیف می‌کنند. برای مثال، توآن^۴ (۱۹۸۰) از اصطلاح توپوفیلیا^۵ یا دوست‌داشتن مکان استفاده می‌کند و رلف^۶ (۱۹۷۶) تعلق به مکان را پیوندی عاطفی و قابل اعتماد با محیطی می‌داند که نیازهای اساسی انسان را ارضا می‌کند. روان‌شناسان محیط زیست نیز نقش محوری عواطف مثبت را در پیوند فردی- مکانی اثبات کرده‌اند. آنها در اکثر موارد در تعریفشان از تعلق مکانی آن را با اصطلاحات مثبت عاطفی^۷ به‌تصویر می‌کشند، همانند سرمایه‌گذاری عاطفی در مکان یا احساس غرور و افتخار و احساس به‌زیستی کلی.

پیوندهای فردی- مکانی^۸ عناصر شناختی را نیز دربرمی‌گیرد. خاطرات، عقاید/ باورها، معانی و دانشی که افراد را به محیط‌های محوری‌شان پیوند می‌دهد، در ساختن شخصیت آنها مهم است. تعلق مکانی به‌منزله شناخت شامل ساخت، و پیوند به^۹ معنای مکان و نیز شناختی است که نزدیکی به مکان را تسهیل می‌کند. از طریق حافظه/ خاطره، مردم معنای مکان را ایجاد می‌کنند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. همچنان‌که قبلاً ذکر شد، توانایی رشد تعلق مبتنی بر محیطی است که وقایعی مهم یا دورانی به‌یادماندنی در آن رخ داده است. هانتز (۱۹۷۴) این تعلقات را اجتماعات نمادین می‌نامد، از آن‌رو که تعلق به‌دلیل بازنمودهای گذشته‌ای است که در محیط رخ داده است (نقل از اسکال و گیفورد، ۲۰۱۰).

جنبه سوم از بعد فرآیند روانی تعلق به مکان، سطح رفتاری است که در آن تعلق به‌واسطه اعمال تعریف می‌شود، مانند تعلق مکانی با رفتارهای حفظ مجاورت.^{۱۰}

«پیوندی مثبت و عاطفی بین فرد و مکانی خاص وجود دارد که مشخصه اصلی برای حفظ نزدیکی به چنین مکانی است». رفتارهای تعلق مکانی شامل زیارت، حمایت اجتماعی، و بازسازی مکانی است. سطح رفتاری تعلق مکانی در علاقه به ماندن در نزدیکی مکان است و

1. Person-Place Bonding
2. Place Belongingness
3. Emotional Terms
4. Tuan
5. Topophilia
6. Relph
7. Affective Terms
8. Person-Place Bonds
9. Bonding to
10. Proximity-Maintaining Behaviors

می‌تواند به‌وسیله ماندگاری قرابت در تنظیم سفرهای دور، بازسازی مکان و انتقال به مکان‌های مشابه بیان شود (نقل از اسکائل و گیفورد، ۲۰۱۰).

ابعاد مکانی تعلق به مکان

شاید مهم‌ترین بعد تعلق مکانی خود مکان است. این بعد در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی (اتاقی در خانه، شهر یا جهان) بررسی شده و معمولاً به دو سطح تقسیم می‌شود: تعلق مکانی فیزیکی^۱ و اجتماعی.

جامعه‌شناسان شهری براین عقیده‌اند که تعلق مکانی لزوماً اجتماعی است و به‌همین دلیل، گاه با "احساس به اجتماع محلی (احساس محله‌ای)"^۲ مقایسه یا تلفیق شده است. اجتماع محلی نظام پیچیده‌ای از شبکه‌های دوستی، خویشاوندی و پیوندهای مشترک رسمی و غیررسمی است که در زندگی خانوادگی و فرآیندهای جامعه‌پذیری مداوم ریشه دارد. در بعد فیزیکی تعلق نیز، ویژگی‌های فیزیکی مکان، به‌مثابه مرکزی برای تعلق برجسته می‌شود. تعریف وابستگی مکانی، برای مثال، بر ویژگی‌های مکان به‌مثابه مرکزی برای تعلق تأکید دارد؛ زیرا این ویژگی‌ها امکانات و منابع لازم را برای حمایت از اهداف فردی فراهم می‌کنند (اسکائل و گیفورد، ۲۰۱۰).

به‌طور کلی، تعلق به مکان پیوندی است بین فرد یا گروه با مکان، که با توجه به سطح فضایی، درجه اختصاصی بودن و ویژگی‌های اجتماعی یا کالبدی مکان متغیر است و از طریق احساس، شناخت، و فرآیندهای روان‌شناسانه رفتاری آشکار می‌شود (اسکائل و گیفورد، ۲۰۱۰: ۵).

امروزه، مطالعات بسیاری وجود دارند که ابعاد مختلف تعلق به اجتماع محلی را بررسی کرده اند. هیدالگو و هرناندز (۲۰۰۱)، در تحقیقی با عنوان «تعلق به مکان: سؤالات مفهومی و تجربی»، تعلق به مکان را در سه سطح فضایی (خانه، محله، و شهرستان) و دو بعد (کالبدی و اجتماعی) هدف سنجش قرار داده‌اند.

ویلیامز و واسک (۲۰۰۳)، در تحقیقی با عنوان «سنجش تعلق به مکان: اعتبار و تعمیم یک رویکرد روان‌سنجی»، تعلق به مکان را در دو بعد وابستگی به مکان و هویت مکانی مطالعه کرده اند. وابستگی مکانی به ارتباطات کاربردی و هدف‌گرایانه با مکان مربوط می‌شود (ریموند و همکاران، ۲۰۱۰)؛ یعنی وابستگی مکانی شکلی از تعلق است که به پتانسیل یک مکان خاص

1. Physical
2. Sense of Community

مربوط است که نیازها و اهداف فرد را ارضا می‌کند (ویلیامز و همکاران، ۱۹۹۲: ۳۱). هویت مکانی به ابعادی از خود وجودی ما اشاره دارد که مرکب از احساسات ما درباره محیط‌های فیزیکی/ کالبدی خاص و نیز ارتباط نمادین ما با مکانی خاص است که تعیین می‌کند ما چه کسی هستیم (ریموند و همکاران، ۲۰۱۰).

پرتی^۱ و همکاران (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «نقش تعلق‌ها به اجتماع محلی در نیت جوانان روستایی استرالیایی برای ماندن در اجتماعات زادگاهشان»، به بررسی ارتباط میان تعلق به مکان/ اجتماع محلی و قصد مهاجرت جوانان روستایی استرالیایی پرداخته‌اند. در این مطالعه، ارزیابی تعلق به اجتماع محلی با مؤلفه‌های وابستگی‌ها، احساس به اجتماع محلی و حمایت اجتماعی صورت گرفته است.

جونز^۲ در نوشته‌های خود (۱۹۹۵؛ ۱۹۹۹) روابط میان افراد جوان و اجتماع محل زندگی شان در مناطق روستایی اسکاتلند را نشان می‌دهد. او در مصاحبه با جوانان، نقش اجتماع محلی و ویژگی‌های اجتماعی و فضایی آن را در توسعه هویت جوانان مطالعه می‌کند. جونز در کارهای خود اهمیت وابسته‌بودن را پررنگ می‌کند و آن را تجربه کلی جوانان از عضو بودن در گروه‌ها و ساختارهای اجتماع محلی یا طرد از آنها تعریف می‌کند. این تجربیات نتیجه تعامل با مرزهای اجتماع محلی هستند که اجتماعی، نمادین و فضایی/ مکانی‌اند. یافته‌های جونز، پیچیدگی فهم ارتباط میان احساس وابسته‌بودن افراد جوان به اجتماع محلی خود، اندازه آن، و تصمیمشان برای ترک یا ماندن را نشان می‌دهد.

تحقیقات ایرانی بیشتر تعلق به مکان یا ابعاد و مؤلفه‌های آن را مطالعه کرده‌اند یا نقش آن را در مشارکت محلی در کانون توجه قرار داده‌اند. نادری و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی، نمونه موردی: محله نعمت آباد»، با روش پیمایش، حس تعلق محله‌ای را برپایه چهار بعد برآوردن نیازها، عضویت، اثرگذاری و پیوندهای احساسی سنجیده‌اند.

رستمعلی‌زاده و نعمتی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی زمینه‌های شکل‌گیری تعلق به محله، با محوریت داده‌های میدانی» زمینه‌های شکل‌گیری تعلق به محله را از چشم‌انداز شهروندان تهرانی مطالعه کرده‌اند. روش‌شناسی این پژوهش، مبتنی بر روش کیفی تحلیل چارچوب بوده است. یافته‌ها حول هفت درون‌مایه اصلی: قدمت محله، مرادات همسایگی و

1. Pretty

2. Jones

خویشاوندی، داشتن تجارب و خاطرات خوب، پاسخ به نیازها، مطلوبیت محیطی و کالبدی، استمرار سکونت و مشارکت در امور محله شکل گرفته‌اند. برطبق چارچوب نظری نهایی این تحقیق، زمینه‌های شکل‌گیری تعلق به محله درمیان شهروندان تهرانی، مبتنی بر مجموعه‌ای از پیوندهای عاطفی، اجتماعی و کالبدی است و پیامد نهایی تعلق به محله در جامعه مطالعه‌شده، وجود احساس آرامش و احساس رضایت از محله، مشارکت در امور محله و درنهایت استمرار سکونت بوده است.

سیاوش‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «ابعاد تشکیل‌دهنده حس تعلق به مکان»، حس تعلق به مکان را رابطه‌ای عاطفی و پرمعنا بین شخص و مکان توصیف کرده‌اند، پیوندی احساسی که باعث شود مردم آن مکان را قرارگاهی ارزشمند برای بازگشت بدانند. در این تحقیق، ابعاد شخصی (فردی) تشکیل‌دهنده حس تعلق، که شامل عامل ادراک، شناخت و احساس است، عاملی درون‌فردی دانسته شده، و ابعاد محیط کالبدی و اجتماع (دیگران) از عوامل برون‌فردی تأثیرگذار بر حس تعلق در نظر گرفته شده است.

پیربابایی و سجادزاده (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی»، با مطالعات میدانی و مصاحبه حضوری با ساکنان، به ارزیابی ابعاد تعلق جمعی به مکان پرداخته‌اند. این تحقیق نشان داده است که تعلق به مکان، نقطه تلاقی عناصر کالبدی، مفاهیم ذهنی فرد از مکان، و ساختارهای اجتماعی است که در سه رابطه روحی- روانی، اخلاقی و زندگی‌نامه‌ای دسته‌بندی می‌شود؛ یعنی تحقق تعلق جمعی در محله سنتی ناشی از تجربه متقابل نیروهای فیزیکی، هیجانی، و اجتماعی است که در قالب سه نوع رابطه زندگی‌نامه‌ای، روحی- روانی و اخلاقی تعریف می‌شود. محققان ثابت می‌کنند که تعلق جمعی به محله سنتی زیاد و قوی است و همین ذهن ساکنان محله را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حس تعلق به محله، از یک‌طرف، در استمرار سکونت و تجربه‌های افراد از وقایع، سنت، تاریخ، فرهنگ، اعتقادات، اجتماع و... ریشه دارد و از طرف دیگر، برگرفته از بسترهای عینی و بیرونی محیط، نظیر نوع طراحی، سازمان محله، کالبد و... است.

مبارکی و صلاحی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی»، حس تعلق به مکان را با سه بعد احساسی (وفاداری)، شناختی (احساس هویت و هویت‌یابی) و عملی و رفتاری (درگیری و مشارکت) تعریف کرده و سنجیده‌اند.

بررسی ادبیات حس تعلق به مکان نشان می‌دهد که اندیشمندان این حوزه از چشم اندازه‌های مختلفی این بحث را پی گرفته‌اند و این تفاوت در نگرش، دسته‌بندی‌هایی را در قلمرو

تعلق به مکان ایجاد کرده است، اما به‌طور کلی می‌توان به ابعاد ذیل در این ادبیات اشاره کرد: بعد اجتماعی، بعد احساسی و شناختی، و بعد کالبدی.

بعد اجتماعی حس تعلق به مکان، حس تعلق را ناشی از روابط و تعاملات اجتماعی جاری در مکان می‌داند و آن را عامل اصلی شکل‌گیری این حس تعریف می‌کند. «حس تعلق به محیط، برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی است که در محیط صورت می‌پذیرد. برطبق این رویکرد، محیط حاوی اطلاعات و نشانه‌های مشترک اجتماعی است که انسان‌ها با درک و رمزگشایی آنها با محیط خود به تعامل می‌رسند (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۰). بعد احساسی تعلق به مکان (ادراک و شناخت)، بر عواطف و احساسات انسانی به مکان و محیط اطراف تأکید دارد و حس تعلق را ناشی از تعامل بین شخص و محرک‌های کالبدی، اجتماعی و فعالیت‌ها می‌داند. در تعلق کالبدی به مکان نیز محیط کالبدی، با برآورده کردن نیازهای مادی و معنوی انسان، وابستگی شخص را به خود تحت تأثیر قرار می‌دهد (سیاوش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳).

در مجموع، عوامل ایجادکننده حس تعلق را می‌توان به دو دسته عوامل بیرونی و درونی دسته بندی کرد. این دسته‌بندی با دسته‌بندی دیگری که شامل فرد، محیط و دیگران است، منطبق است. درحالی‌که عوامل بیرونی حس تعلق شامل محیط کالبدی و نقش اجتماع و دیگران است، عوامل درونی ویژگی‌های فردی و عوامل ادراک و شناخت را شامل می‌شود (همان).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را جوانان روستایی ۱۵ تا ۳۰ ساله شهرستان‌های اسکو و هشترود در استان آذربایجان شرقی تشکیل داده‌اند. دلیل انتخاب این دو شهرستان در استان آذربایجان شرقی این بوده است که در طی دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵، شهرستان هشترود مهاجرفرست‌ترین شهرستان استان بوده و شهرستان اسکو کمترین میزان مهاجرفرستی را داشته است. با توجه به اینکه هدف این تحقیق بررسی علل ماندگاری جوانان روستایی بوده است، جوانان روستایی ۱۵ تا ۳۰ ساله این دو شهرستان برای تحقیق انتخاب شده‌اند.

نمونه‌گیری با استفاده از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای صورت گرفت. میزان مهاجرفرستی و مهاجرپذیری و موقعیت جغرافیایی در تعیین شهرستان‌ها، و دوری و نزدیکی به شهر، شیوه معیشت، و جمعیت، از جمله ملاک‌های تعیین‌کننده در انتخاب خوشه‌ها بوده است.

در این تحقیق، طبق جدول مورگان و با توجه به اینکه جوانان ۱۵ تا ۳۰ ساله روستایی شهرستان اسکو ۱۲۸۶۳ نفر و هشترود ۱۳۴۴۱ نفر بوده‌اند، برای هر شهرستان ۴۰۰ نمونه در

نظر گرفته شد، اما در نهایت، پس از جمع‌آوری اطلاعات، ۷۶۹ پرسش‌نامه قابلیت تحلیل یافت. شهرستان هشت‌رود دارای دو بخش نظرکهریزی و مرکزی، و شهرستان اسکو هم دارای دو بخش مرکزی و ایلخچی است. از هر دو بخش هر شهرستان، دهستان‌ها و متعاقباً روستاها انتخاب شدند که معیار انتخاب دهستان‌ها جمعیت و موقعیت جغرافیایی بود.

بخش مرکزی شهرستان هشت‌رود دارای دهستان‌های سلوک (۳۹۵۹ نفر)، علی‌آباد (۴۹۲۳ نفر)، قرائقو (۱۰۸۵۸ نفر)، کوهسار (۳۸۰۶ نفر) و چاراویماق شمال شرقی (۱۳۲۷ نفر) است. در این بخش و در دهستان‌های مزبور، معیار انتخاب، دهستان‌های دارای بیشترین و کمترین جمعیت بوده که دهستان قرائقو پرجمعیت‌ترین و دهستان‌های کوهسار و چاراویماق شمال شرقی کم‌جمعیت‌ترین دهستان‌ها بودند. بخش نظرکهریزی هم دارای دهستان‌های آلمالو (۵۶۳۵ نفر) و نظرکهریزی (۹۱۴۵ نفر) است. چون این بخش فقط دو دهستان داشت، پرجمعیت‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین دهستان‌ها انتخاب شدند.

شهرستان اسکو دو بخش مرکزی و ایلخچی دارد. بخش ایلخچی دارای دهستان‌های شورکات جنوبی (۱۱۶۲۷ نفر) و جزیره (۳۰۱۴ نفر) است، که هر دو دهستان انتخاب شدند. در بخش مرکزی، که دارای دهستان‌های باویل (۹۷۹۲ نفر)، سهند (۹۹۳۳ نفر) و گنبر (۷۷۰۴ نفر) است، معیار انتخاب دهستان‌های دارای بیشترین و کمترین جمعیت بود که دهستان سهند پرجمعیت‌ترین و دهستان گنبر کم‌جمعیت‌ترین دهستان بودند. پس از مشخص شدن دهستان‌ها در دو شهرستان، انتخاب روستاها برحسب دوری و نزدیکی به جاده اصلی و شهر، جمعیت، موقعیت جغرافیایی، نوع معیشت و دسترسی و عدم دسترسی به امکانات صورت گرفت (جدول‌های ۲، ۳، ۴).

جدول ۲. توصیف ساختار سیاسی و جمعیتی شهرستان‌های هشت‌رود و اسکو

شهرستان	دهستان	بخش	تعداد خانوار	زن	مرد	جمعیت
هشت‌رود	سلوک	مرکزی	۱۰۷۰	۱۹۲۴	۲۰۲۵	۳۹۵۹
	علی‌آباد	مرکزی	۱۳۱۲	۲۴۸۷	۲۴۳۶	۴۹۲۳
	قراققو	مرکزی	۳۰۲۱	۵۳۶۰	۵۴۹۸	۱۰۸۵۸
	کوهسار	مرکزی	۱۰۶۲	۱۹۰۵	۱۹۰۱	۳۸۰۶
	چاراویماق شمال شرقی	مرکزی	۳۶۶	۶۶۳	۶۶۴	۱۳۲۷
	آلمالو	نظرکهریزی	۱۵۱۵	۲۷۹۶	۲۸۳۹	۵۶۳۵
	نظرکهریزی	نظرکهریزی	۲۲۷۴	۴۴۸۸	۴۶۵۷	۹۱۴۵
اسکو	شورکات جنوبی	ایلخچی	۳۲۷۵	۵۶۶۶	۵۹۶۱	۱۱۶۲۷
	جزیره	ایلخچی	۱۰۵۸	۱۵۷۱	۱۴۴۳	۳۰۱۴

بررسی عوامل تعیین‌کننده تعلق جوانان روستایی به محل زندگی خود

شهرستان	دهستان	بخش	تعداد خانوار	زن	مرد	جمعیت
	باویل	مرکزی	۳۰۷۴	۴۹۰۲	۴۸۹۰	۹۷۹۲
	سهند	مرکزی	۳۰۶۰	۴۸۶۵	۵۰۶۸	۹۹۳۳
	گنبر	مرکزی	۲۰۱۲	۳۷۱۰	۳۹۹۴	۷۷۰۴

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۹۰

جدول ۳. روستاهای منتخب شهرستان هشتروند

ردیف	آبادی	جمعیت	دهستان	بخش	شهرستان
۱	عزیزکندی	۲۵۳	"	"	هشتروند
۲	آغچه‌رود	۲۷۳	"	"	"
۳	تلخاب	۵۵	"	"	"
۴	سعادتلو	۶۷۲	"	"	"
۵	قویون قشلاقی	۳۹۲	قرانقو	مرکزی	"
۶	دامناب	۹۶۱	"	"	"
۷	بیک کندی	۵۳۴	"	"	"
۸	ذوالبین	۱۱۷۵	"	"	"
۹	باشماق	۲۲۶	کوهسار	"	"
۱۰	اوشندل	۸۹۷	"	"	"
۱۱	اکیزگنبدی (اکوزگنبدی)	۴۷۲	"	"	"
۱۲	اغ بلاغ	۳۶۲	کوهسار	"	"
۱۳	زاویه	۶۸	چاراویماق شمال شرقی	"	"
۱۴	مکتو	۱۷۱	"	"	"
۱۵	نصیرآباد سفلی	۷۰۲	"	"	"
۱۶	الاقیه	۵۴۲	نظر کهریزی	نظر کهریزی	"
۱۷	درین سو	۱۹۷	"	"	"
۱۸	گنج‌آباد علیا	۱۳۵	"	"	"
۱۹	قرخ سقر	۲۹۶	"	"	"
۲۰	ساری قبه	۵۳۱	"	"	"
۲۱	تکانلوسفلی	۱۸۹	"	"	"
۲۲	عمران کندی	۴۸۵	"	"	"
۲۳	نظر کهریزی	۱۲۶۶	"	"	"

جدول ۴. روستاهای منتخب شهرستان اسکو

ردیف	آبادی	جمعیت	دهستان	بخش	شهرستان	تعداد پرسش‌نامه
۱	بیگلو	۵۲۹	شورکات جنوبی	ایلخچی	اسکو	۱۴
۲	خاصه لر/ خصیل/	۱۰۶۰	"	"	"	۲۸
۳	زین الحاجیلو/ زینال اگاج/	۱۶۸۸	"	"	"	۳۸
۴	مهدینلو	۸۹۷	"	"	"	۲۳
۵	خورخور	۹۱۰	"	"	"	۲۴
۶	قشلاق	۲۶۶	"	"	"	۱۱
۷	اق گنبد/ اغ گنبد	۷۵۹	جزیره	"	"	۲۱
۸	قچاق	۴۲۹	"	"	"	۱۰
۹	گمیچی	۴۵۳	"	"	"	۱۰
۱۰	مجارشین	۱۱۲۲	"	"	"	۲۰
۱۱	اقچه کهل	۲۱۵	"	"	"	۹
۱۲	اربط	۳۹۹	"	"	"	۱۱
۱۳	عنصرود	۱۴۴۹	سهند	مرکزی	"	۳۳
۱۴	اسکندان	۸۹۸	"	"	"	۲۰
۱۵	اشستان	۱۲۵	گنبر	"	"	۱۰
۱۶	کندوان	۵۸۶	"	"	"	۱۸
۱۷	گنبر	۳۳۰۱	"	"	"	۵۱
۱۸	کهنمو	۲۴۰۷	"	"	"	۵۰

برای تعریف متغیر تعلق به مکان، از مطالعات پیشین و نیز تحقیقات هیدالگو و هرناندز (۲۰۰۱)، گراس و براون^۱ (۲۰۰۶)، کنز^۲ (۲۰۰۵)، ریموند و همکاران (۲۰۱۰)، و براون و ریموند (۲۰۰۷) استفاده شد و در مجموع ۴۳ متغیر تدوین شد. به منظور پایایی پرسش‌نامه، آلفای کرونباخ محاسبه شد که ۰/۹۰۲ به دست آمد. در بخش آمار استنباطی، جهت به دست آوردن هم بستگی درونی متغیرها از تحلیل عاملی استفاده شد.

1. Gross and Brown

2. Knez

یافته‌های پژوهش

توصیف ویژگی‌های پاسخگویان

از ۷۶۹ نفر نمونه آماری، ۵۲۱ نفر (۶۷/۸ درصد) مرد و ۲۴۸ نفر (۳۲/۲ درصد) زن هستند. ۴۲ درصد پاسخگویان مجرد و ۵۷/۶ درصد متأهل و ۰/۴ درصد نیز مطلقه هستند. نکته مهم این است که فقط ۳ نفر از پاسخگویان مطلقه بوده‌اند که پایین بودن میزان طلاق در مناطق مطالعه شده را نشان می‌دهد.

دامنه سنی پاسخگویان بین ۱۵ تا ۳۰ سال است. بیشترین درصد پاسخگویان بین ۲۶ تا ۳۰ سال (با ۳۹/۲ درصد) داشتند و سپس، گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ ساله (با ۳۷/۵ درصد) و گروه ۱۵ تا ۱۹ ساله (با ۲۳/۳ درصد) قرار دارند. از میان پاسخگویان، ۳۳/۴ درصد شاغل و ۶۶/۶ درصد غیرشاغل بودند. از میان شاغلان، ۸۳ درصد، یعنی ۱۹۵ نفر، در روستای محل زندگی خود شاغل بودند، ۲/۶ درصد (۶ نفر) در روستای دیگر و ۱۴/۵ درصد (۳۴ نفر) نیز در شهر شاغل بودند. از نظر نوع شغل نیز ۳۷/۶ درصد کشاورز و دامدار بودند، ۲۷/۱ درصد کارگر بودند یا در امور ساختمانی و فنی مشغول بودند، ۲۲/۹ درصد کارکنان خدماتی و فروشندگان بودند و ۱۲/۴ درصد نیز در بخش اداری و فرهنگی مشغول بودند.

از نظر تحصیلات نیز پاسخگویان در پنج طبقه بی‌سواد و ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دیپلم، کاردانی و درنهایت کارشناسی و بالاتر طبقه‌بندی می‌شوند. ۴۹/۴ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر هستند. از نظر درآمد، ۳۸/۷ درصد درآمد پایین دارند، ۴۷/۳ درصد دارای درآمد متوسط‌اند و ۱۴/۱ درصد نیز از درآمد بالایی برخوردارند.

اولویت‌بندی متغیرهای مرتبط با تعلق به مکان از دیدگاه جوانان روستایی

به‌منظور تعیین مهم‌ترین عوامل مرتبط با تعلق به مکان از دیدگاه جوانان روستایی، میانگین رتبه‌ای نظر جوانان روستایی محاسبه و اولویت‌بندی شد. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، رتبه‌بندی متغیرها نشان می‌دهد که قبول فرصت‌های کاری و شغلی، کمک کاری و مالی در بازسازی روستا، همکاری با دیگران و کار جمعی برای داشتن روستای بهتر، ترجیح به داشتن زمین کشاورزی یا باغ در روستا، ارتباط و رفت‌وآمد با بستگان و رضایت از دیدن هر روزه طبیعت روستا بیشترین میانگین نمره را در میان متغیرهای تعلق به مکان به خود اختصاص داده‌اند. اما، وجود موقعیت‌های شغلی در روستا بیش از شهر، رضایت از وضعیت معابر و کوچه‌های داخل روستا، رضایت از دسترسی به امکانات ورزشی، داشتن پس‌انداز مناسب از

درآمد، و داشتن شغل مناسب کمترین میانگین نمره را در متغیرهای تعلق به مکان به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۵. رتبه‌بندی متغیرهای مرتبط با تعلق به مکان از دیدگاه جوانان روستایی

رتبه	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۱/۰۹۴	۴/۱۴	قبول فرصت‌های کاری مرتبط با علاقه در روستا
۲	۱/۰۶۴	۳/۹۷	کمک کاری و مالی در بازسازی روستا
۳	۱/۱۶۲	۳/۹۴	همکاری با دیگران و کار جمعی برای داشتن روستای بهتر
۴	۱/۱۸۱	۳/۹۲	ترجیح به داشتن زمین کشاورزی یا باغ در روستا
۵	۱/۱۰۸	۳/۸۹	ارتباط و رفت‌وآمد با بستگان
۶	۱/۰۹۴	۳/۸۸	رضایت از دیدن هر روزه طبیعت روستا
۷	۱/۱۹۳	۳/۸۸	شرکت در مراسم ملی و مذهبی روستا
۸	۱/۳۰۲	۳/۸۴	وجود آب‌وهوای خوب
۹	۱/۱۶۸	۳/۸۰	وابستگی به طبیعت روستا
۱۰	۱/۱۲۱	۳/۸۰	احساس آرامش در طبیعت روستا
۱۱	۱/۱۵۱	۳/۸۰	احساس مسئولیت در برابر برادرها و خواهرها
۱۲	۱/۰۱۹	۳/۷۹	خبردار شدن از احوال همسایه‌ها
۱۳	۱/۳۶۰	۳/۶۹	افتخار به روستا
۱۴	۱/۲۶۵	۳/۶۱	همکاری با شورا و دهیاری
۱۵	۱/۱۰۸	۳/۵۶	رضایت از برخورد مردم روستا با خود
۱۶	۱/۲۳۴	۳/۵۳	افتخار به گذشته و تاریخ روستا
۱۷	۱/۱۹۹	۳/۵۳	سهولت کسب کمک از پدر و مادر در وقت نیاز
۱۸	۱/۰۴۱	۳/۵۲	رضایت از روابط اجتماعی با دیگران
۱۹	۱/۱۵۴	۳/۴۹	جذابیت آداب و رسوم روستا
۲۰	۱/۱۷۸	۳/۴۷	عادت به همسایگان
۲۱	۱/۰۷۱	۳/۴۳	احساس مسئولیت در برابر وقایع و اتفاقات روستا
۲۲	۱/۲۵۳	۳/۳۶	داشتن خاطرات خوب از روستا
۲۳	۱/۱۲۴	۳/۳۱	احساس آزادی در انتخاب شیوه زندگی
۲۴	۱/۱۸۷	۳/۲۵	سهولت کسب کمک از همسایگان به وقت نیاز
۲۵	۱/۳۵۸	۳/۱۷	اعتقاد به اینکه تلاش من باعث رونق روستا می‌شود
۲۶	۱/۲۴۵	۳/۱۴	رضایت از زندگی در روستا
۲۷	۱/۳۹۱	۳/۰۴	ترجیح گذران بیشتر وقت در روستا
۲۸	۱/۳۲۵	۳/۰۰	لذت خاص کارکردن در روستا علی‌رغم احتمال درآمد کمتر
۲۹	۱/۱۹۶	۲/۹۹	بهترین جای ممکن برای انجام امور زندگی

بررسی عوامل تعیین‌کننده تعلق جوانان روستایی به محل زندگی خود

رتبه	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۳۰	۱/۱۹۳	۲/۹۹	رضایت از وضعیت مسکن
۳۱	۱/۳۱۰	۲/۹۴	وجود امکانات حمل‌ونقل و دسترسی به شهر
۳۲	۱/۲۳۱	۲/۹۲	عدم جانشینی جای دیگر برای کارهایی که در اینجا انجام می‌دهم
۳۳	۱/۳۳۰	۲/۸۷	تدارک شغل مناسب در روستا
۳۴	۱/۲۵۳	۲/۷۵	پرو کردن اوقات فراغت به بهترین نحو
۳۵	۱/۲۷۳	۲/۶۹	رضایت از وضعیت بهداشتی روستا
۳۶	۱/۱۷۲	۲/۶۱	تأمین بیشتر نیازها در روستا
۳۷	۱/۲۷۸	۲/۵۲	دستیابی به آرزوها با زندگی در روستا
۳۸	۱/۱۶۹	۲/۳۱	رضایت از کیفیت خدمات آموزشی موجود در روستا
۳۹	۱/۲۷۸	۲/۲۷	وجود موقعیت‌های شغلی در روستا بیش از شهر
۴۰	۱/۲۱۲	۲/۲۳	رضایت از وضعیت معابر و کوچه‌های داخل روستا
۴۱	۱/۲۵۳	۲/۰۷	رضایت از دسترسی به امکانات ورزشی
۴۲	۱/۲۰۰	۲/۰۷	داشتن پس‌انداز مناسب از درآمد
۴۳	۱/۲۰۲	۱/۹۴	داشتن شغل با توان پرداخت اقساط

تحلیل عاملی متغیرهای مرتبط با تعلق به مکان از دیدگاه جوانان روستایی

برای تعیین مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تعلق به مکان در میان جوانان روستایی از تحلیل عاملی استفاده شد. جهت تعیین انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تحلیل عاملی، از آزمون کی.ام.ا^۱ و بارتلت استفاده شد. در این بخش، مقدار کی.ام.ا برابر ۰/۸۹۶ است و به‌علت اینکه به عدد یک نزدیک است، تعداد پاسخگویان برای تحلیل عاملی مناسب است. آماره بارتلت نیز برای تعیین عوامل مؤثر بر تعلق به مکان برابر با ۶۰۹۴/۳۶۷ به‌دست آمد که با توجه به سطح معناداری، داده‌های موجود برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شدند (جدول ۶).

جدول ۶. نتیجه آزمون بارتلت و کی.ام.ا

۰/۸۹۶	شاخص کی.ام.ا در بررسی کفایت نمونه
۶۰۹۴/۳۶۷	مقدار کی.ام.ا دو آزمون بارتلت
۰/۰۰۰	سطح معناداری آزمون بارتلت

1. Kaiser-Meysert-Oklin (KMO).

با توجه به آماره کای اسکوتر، ده عامل استخراج شدند (جدول ۶) و پس از چرخش عاملی به روش وریماکس، شاخص‌های تعلق به روستا در ده عامل دسته‌بندی شدند. عامل‌ها نیز با توجه به ماهیت متغیرها نام‌گذاری شدند (جدول ۷). این ده عامل در مجموع حدود ۵۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. عامل‌ها به شرح ذیل‌اند:

جدول ۷. عوامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

شماره عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
۱	۳/۷۴۰	۸/۳۱۱	۸/۳۱۱
۲	۳/۳۴۶	۷/۴۳۵	۱۵/۷۴۶
۳	۲/۹۳۱	۶/۵۱۳	۲۲/۲۵۹
۴	۲/۳۷۰	۵/۲۶۶	۲۷/۵۲۵
۵	۲/۳۴۶	۵/۲۱۳	۳۲/۷۳۸
۶	۲/۳۴۰	۵/۲۰۰	۳۷/۹۳۸
۷	۱/۸۳۹	۴/۰۸۷	۴۲/۰۲۵
۸	۱/۷۰۷	۳/۷۹۴	۴۵/۸۲۰
۹	۱/۵۷۲	۳/۴۹۲	۴۹/۳۱۲
۱۰	۱/۵۵۵	۳/۴۵۶	۵۲/۷۶۹

برای تعیین سطح معنی‌داری و بیان نقش هر متغیر در عامل مربوط، متغیرهایی که بار عاملی بیش از ۰/۵ داشتند در نظر گرفته شدند. نتایج نشان داد که تمام متغیرهای وارد شده دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۵ بوده‌اند. در نهایت، برطبق نتایج جدول ۸، متغیرهایی که در هریک از ده عامل مزبور قرار می‌گیرند به این شرح‌اند:

عامل اول: مقدار ویژه این عامل ۳/۷۴ است که ۸/۳۱۱ درصد از واریانس کل را دربرمی‌گیرد و بیشترین تأثیر را در میان ده عامل مؤثر دارد. این عامل با متغیرهای وابستگی به طبیعت روستا، رضایت از دیدن هر روزه طبیعت روستا، وجود آب‌وهوای خوب و احساس آرامش در طبیعت روستا هم‌بستگی مثبت و معناداری دارد. با توجه به این متغیرها، می‌توان این عامل را «محیط و طبیعت روستا» نام نهاد.

عامل دوم: این عامل با توجه به مقدار ویژه ۳/۳۴۶، ۷/۴۳۵ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. متغیرهایی که در این عامل بارگذاری شده‌اند عبارت‌اند از: بهترین جای ممکن برای انجام امور زندگی، ترجیح گذران بیشتر وقت در روستا، دستیابی به آرزوها با زندگی در این روستا، تدارک شغل مناسب در روستا و تأمین بیشتر نیازها در این روستا. با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار، عامل دوم عامل «سهولت تأمین نیازها» نامیده می‌شود.

عامل سوم: عامل سوم «هویت مکانی» نام‌گذاری شد. مقدار ویژه این عامل $2/931$ است که $6/513$ درصد از واریانس را دربرمی‌گیرد و متغیرهای افتخار به گذشته و تاریخ روستا، افتخار به روستا، داشتن خاطرات خوب از روستا و لذت خاص کارکردن در روستا با وجود احتمال درآمد کمتر را در خود جای داده است.

عامل چهارم: این عامل با مقدار ویژه $2/370$ ، مقدار $5/266$ درصد واریانس را توضیح می‌دهد. متغیرهای این عامل مربوط به همکاری با دیگران و کار جمعی برای داشتن روستای بهتر و مشارکت در مراسم ملی و مذهبی روستاست که «مشارکت در امور جمعی» نامیده شد.

عامل پنجم: مقدار ویژه این عامل $2/346$ است که $5/213$ درصد از واریانس را تبیین می‌کند و چهار متغیر را دربرمی‌گیرد. این عامل شامل رضایت از وضعیت بهداشتی روستا، رضایت از وضعیت مسکن، رضایت از کیفیت خدمات آموزشی موجود در روستا و رضایت از وضعیت معابر و کوچه‌های داخل روستاست که عامل «رضایت از روستا» نامیده شد.

عامل ششم: این عامل «داشتن شغل مناسب» نام‌گذاری شد. متغیرهای آن شامل داشتن شغل با توان پرداخت اقساط و داشتن پس‌انداز مناسب از درآمد است. مقدار ویژه آن $2/340$ است که $5/2$ درصد از کل واریانس‌ها را تبیین می‌کند.

عامل هفتم: احساس آزادی در انتخاب شیوه زندگی و رضایت از روابط اجتماعی با دیگران و برخورد مردم روستا با فرد، ذیل این عامل جای می‌گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار، این عامل «احساس آزادی و رضایت از ارتباط با مردم» نامیده شد. این عامل با مقدار ویژه $1/839$ ، در مجموع، $4/087$ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل هشتم: احساس مسئولیت در برابر وقایع و اتفاقات روستا و نیز مسئولیت‌پذیری در برابر برادرها و خواهرها ذیل این عامل جای می‌گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار، این عامل «مسئولیت‌پذیری» نامیده می‌شود که با مقدار ویژه $1/707$ ، در مجموع، $3/379$ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل نهم: مقدار ویژه این عامل $1/572$ است که $3/492$ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند و دو متغیر را دربرمی‌گیرد: همکاری با شورا و دهیاری و کمک کاری و مالی برای بازسازی روستا. به این ترتیب، این عامل «مشارکت در امور جمعی» نامیده شد. گفتنی است این عامل ممکن است با عامل چهارم ادغام شود و یک عامل را بسازد.

عامل دهم: این عامل «روابط با آشنایان و همسایگان/ روابط اجتماعی» نام‌گذاری شد. مقدار ویژه این عامل $1/555$ است که $3/456$ درصد از واریانس را دربرمی‌گیرد و متغیرهای ارتباط و رفت‌وآمد با بستگان و خیردارشدن از احوال همسایه‌ها را در خود جای داده است.

جدول ۸. عامل‌ها و متغیرهای مرتبط با تعلق به مکان از دیدگاه جوانان روستایی

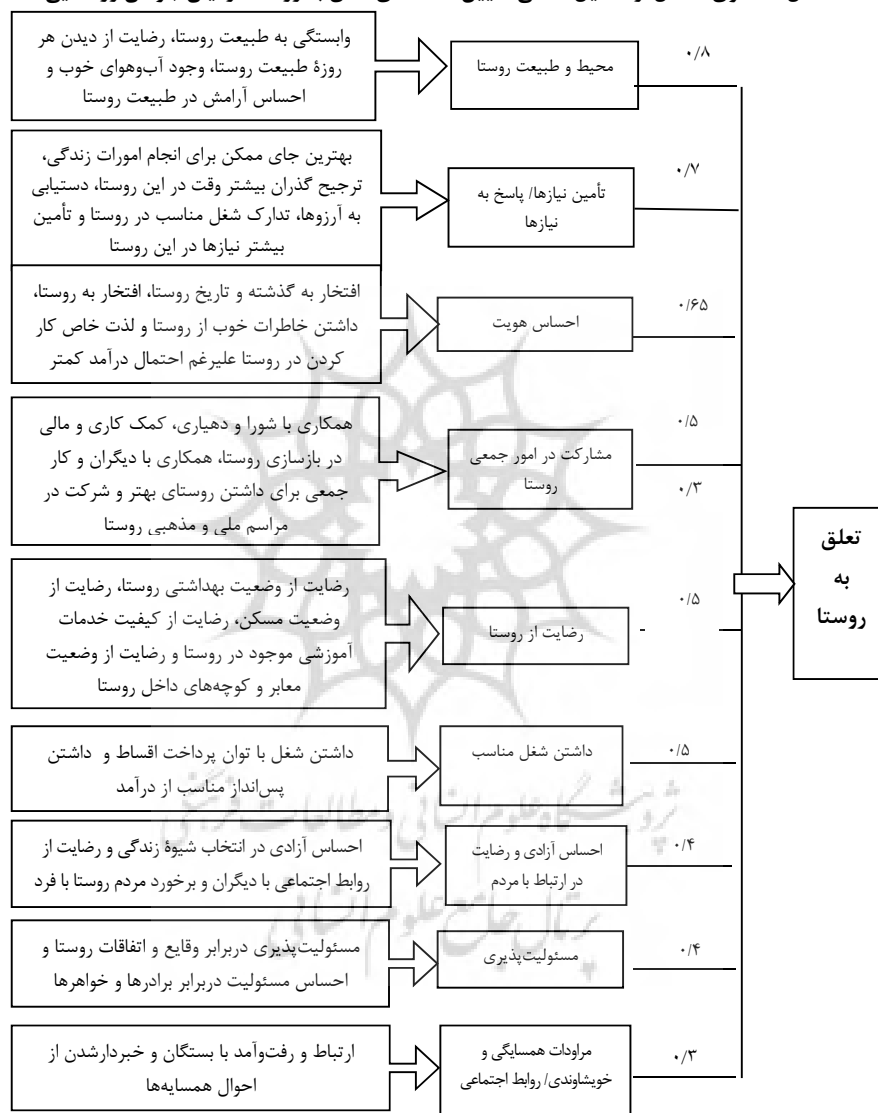
نام عامل	متغیر	بار عاملی
محیط و طبیعت روستا	وابستگی به طبیعت روستا	۰/۷۱۵
	رضایت از دیدن هر روزه طبیعت روستا	۰/۶۹۶
	وجود آب‌وهوای خوب	۰/۶۸۱
تأمین نیازها/ پاسخ به نیازها	احساس آرامش در طبیعت روستا	۰/۶۲۱
	بهترین جای ممکن برای انجام امور زندگی	۰/۶۶۸
	ترجیح گذران بیشتر وقت در این روستا	۰/۶۶۲
	دستیابی به آرزوها با زندگی در این روستا	۰/۶۵۱
	تدارک شغل مناسب در روستا	۰/۵۸۸
احساس هویت	تأمین بیشتر نیازها در این روستا	۰/۵۸۶
	افتخار به گذشته و تاریخ روستا	۰/۶۹۸
	افتخار به روستا	۰/۶۹۱
	داشتن خاطرات خوب از روستا	۰/۵۹۶
مشارکت در امور جمعی روستا	لذت خاص کار کردن در روستا با وجود احتمال درآمد کمتر	۰/۵۶۸
	همکاری با دیگران و کار جمعی برای داشتن روستای بهتر	۰/۵۹۷
رضایت از روستا	مشارکت در مراسم ملی و مذهبی روستا	۰/۵۹۷
	رضایت از وضعیت بهداشتی روستا	۰/۶۹۴
	رضایت از وضعیت مسکن	۰/۶۳۷
	رضایت از کیفیت خدمات آموزشی موجود در روستا	۰/۵۹۰
	رضایت از وضعیت معابر و کوچه‌های داخل روستا	۰/۵۶۲
احساس آزادی و رضایت از ارتباط با مردم	داشتن شغل با توان پرداخت اقساط	۰/۶۶۶
	داشتن پس‌انداز مناسب از درآمد	۰/۶۰۵
مسئولیت‌پذیری	احساس آزادی در انتخاب شیوه زندگی	۰/۶۴۸
	رضایت از روابط اجتماعی با دیگران و برخورد مردم روستا با فرد	۰/۶۴۷
مشارکت در امور جمعی روستا	احساس مسئولیت در برابر وقایع و اتفاقات روستا	۰/۷۴۰
	احساس مسئولیت در برابر برادرها و خواهرها	۰/۶۹۴
مراودات همسایگی و خویشاوندی/ روابط اجتماعی	همکاری با شورا و دهیاری	۰/۷۴۴
	کمک کاری و مالی در بازسازی روستا	۰/۶۵۶
	ارتباط و رفت‌وآمد با بستگان	۰/۵۸۲
	خبردار شدن از احوال همسایه‌ها	۰/۵۰۹

درنهایت، با توجه به نتایج، عوامل تعیین‌کننده تعلق به روستا درمیان جوانان روستایی در شکل ۱ نشان داده شده است که مطابق آن، تعلق به روستا با محیط و طبیعت روستا، تأمین نیازها/ پاسخ به نیازها، احساس هویت، مشارکت در امور جمعی روستا، رضایت از روستا، داشتن

بررسی عوامل تعیین‌کننده تعلق جوانان روستایی به محل زندگی خود

شغل مناسب، احساس آزادی و رضایت از ارتباط با مردم، مسئولیت‌پذیری و مراودات همسایگی و خویشاوندی/ روابط اجتماعی ارتباط دارد.

شکل ۱. الگوی حاصل از تحلیل عاملی تعیین‌کننده‌های تعلق به روستا در میان جوانان روستایی



تحلیل وضعیت تعلق به مکان در شهرستان‌ها

با مقایسه یافته‌ها به تفکیک شهرستان، مشخص می‌شود ۴۱/۵ درصد از جوانانی که در شهرستان اسکو، در جایگاه شهرستانی با کمترین مهاجرت در استان، زندگی می‌کنند تعلق زیادی به محل زندگی خود دارند، در حالی که این میزان برای شهرستان هشتروند، به‌منزله مهاجر فرست‌ترین شهرستان استان، ۲۸/۹ درصد است؛ بنابراین، مشخص می‌شود که میان جوانان روستایی دو شهرستان در احساس تعلق به روستای خود فاصله زیادی وجود دارد. نتایج آزمون نیز نشان می‌دهد که شهرستان محل سکونت بر تعلق جوانان به روستا اثرگذار است.

درباره نقش تعلق به مکان در احتمال ترک جوانان یا ماندگاری جوانان روستایی، نتایج تحقیق نشان می‌دهد جوانانی که احساس تعلق زیادی به محل زندگی خود دارند، احتمال ماندنشان در روستا بیش از کسانی است که تعلق کمتری به روستای خود دارند. در واقع، احساس تعلق به مکان می‌تواند در ماندگاری جوانان روستایی مؤثر باشد. این احساس تعلق مجموعه‌ای از پیوندها و احساسات به روستا، تاریخ، هویت و طبیعت آن، خانواده و خویشاوندان، و دوستان و همسایگان را دربرمی‌گیرد. در واقع، احساس تعلق به مکان باعث می‌شود که افراد در تصمیم‌های مهاجرتی خود مانندن را به ترک کردن ترجیح دهند و وقتی موقعیت را ارزیابی می‌کنند، سود ماندن را بیش از ترک کردن می‌بینند.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که نه عامل (دو عامل با هم ادغام شدند) در تعلق جوانان روستایی به محل زندگی‌شان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و در مجموع ۵۳ درصد از واریانس تعلق به مکان را تبیین می‌کنند: محیط و طبیعت روستا، تأمین نیازها/ پاسخ به نیازها، احساس هویت، مشارکت در امور جمعی روستا، رضایت از روستا، داشتن شغل مناسب، احساس آزادی و رضایت از ارتباط با مردم، مسئولیت‌پذیری، و مراودات همسایگی و خویشاوندی.

این یافته‌ها درباب عوامل تعیین‌کننده تعلق به مکان در برخی تحقیقات نیز تأیید شده‌اند، به طوری که رستمعلی‌زاده و نعمتی (۱۳۹۴) در پژوهش خود بر اهمیت مراودات همسایگی و خویشاوندی، داشتن تجارب و خاطرات خوب، پاسخ به نیازها، مطلوبیت محیطی و کالبدی، و مشارکت در امور محله در احساس تعلق به محله تأکید کرده‌اند. پیربابایی و سجادزاده (۱۳۹۰) نیز ریشه حس تعلق به محله را در استمرار سکونت و تجربه‌های ذهنی چون وقایع، سنت، تاریخ، فرهنگ و اعتقادات می‌دانند که در این تحقیق نیز با عنوان احساس هویت نشان داده شده است. مشارکت در تأمین نیازها، و مراودات همسایگی و خویشاوندی نیز در کارهای نادری

و همکاران (۱۳۹۳)، مبارکی و صلاحی (۱۳۹۲)، و جونز (۱۹۹۹؛ ۱۹۹۵) در بررسی احساس تعلق به مکان به کار رفته‌اند و یافته‌های این پژوهش نیز آنها را تأیید می‌کند. درست است که احساس تعلق به مکان جوانان روستایی را به ماندن و سرمایه‌گذاری و زندگی در روستا ترغیب می‌کند، اما برای ارتقای این عامل محیط روستا باید بتواند پاسخگوی نیازهای زندگی و شغلی جوانان روستایی باشد. لازم است جوانان روستایی بتوانند به شغل مناسب خود در روستا دسترسی داشته باشند، از وضعیت امکانات و خدمات روستا راضی باشند و در ارتباط خود با مردم احساس آزادی و رضایت داشته باشند. اگر اینها با محیط و طبیعت خوب روستا، و احساس هویت و مسئولیت‌پذیری فرد عجین شود، جوانان روستایی نیز در امور جمعی روستا مشارکت خواهند کرد و با خویشاوندان و همسایگان خود مرادده و ارتباط اجتماعی خوبی برقرار خواهند کرد که همه اینها به ارتقای تعلق فرد به روستای خود می‌انجامد. متعاقب ارتقای احساس تعلق به روستا، فرد به ماندن، سرمایه‌گذاری و حفظ محیط زندگی خود ترغیب خواهد شد و در نتیجه محیط روستا توسعه پیدا خواهد کرد. باین‌حال، لازم است برنامه‌ریزان با درک این موضوع و با توجه به مسئله ماندگاری در جامعه روستایی امروز ایران، توجه خود را به این عوامل، از جمله تأمین نیازهای جوانان روستایی، افزایش امکانات و خدمات در روستاها به‌منظور افزایش رضایت آنها، و نیز تأمین اشتغال جوانان روستایی، معطوف کنند.

منابع

- ارتیعی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۰) «عوامل تأثیرگذار بر مشارکت جوانان روستایی در زمینه توسعه کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه)»، پژوهش‌های روستایی، دوره دوم، شماره ۳ (پیاپی ۷): ۷۳-۵۵.
- آستین‌افشان، ثریا و همکاران (۱۳۹۴) «بررسی تأثیر میزان تعلق خاطر و رضایت از زندگی روستایی بر میزان مشارکت جوانان در فعالیت‌های کشاورزی، مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه»، پژوهش‌های روستایی، دور، ششم، شماره ۲: ۴۳۲-۴۱۱.
- پیربابایی، محمدتقی و حسن سجاذاده (۱۳۹۰) «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی»، باغ نظر، سال هشتم، شماره ۱۶: ۱۷-۲۸.
- جوان فروزنده، علی و قاسم مطلبی (۱۳۹۰)، «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، هویت شهر، دوره پنجم، شماره ۸: ۳۷-۲۷.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله و محمد نعمتی (۱۳۹۴) «بررسی زمینه‌های شکل‌گیری تعلق به محله»، توسعه محلی (روستایی-شهری)، دوره هفتم، شماره ۱: ۱۵۳-۱۷۲.

- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله، علی قاسمی و نیر رستمی (۱۳۹۲) «عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی، مطالعه موردی: شهرستان اهر»، پژوهش‌های روستایی، دوره چهارم، شماره ۳: ۵۰۵-۵۳۴.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و مهرداد محمدی سلیمانی (۱۳۸۱) «عوامل مؤثر بر میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی در برنامه‌ریزی توسعه، با تأکید بر عوامل مکانی- فضایی (نمونه موردی: شهرستان کرمان)»، مجله مدرس علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۴ (پیاپی ۲۷): ۳۷-۱۱.
- سیاوش‌پور، بهرام و همکاران (۱۳۹۳) «ابعاد تشکیل‌دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی (ادراک و شناخت)»، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد، ۲۱ و ۲۲ آبان ۱۳۹۳.
- قاسمی اردهانی، علی (۱۳۹۲) «شبکه‌های اجتماعی و جابجایی جمعیت: مطالعه جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به شهرستان‌های منتخب استان تهران»، پایان نامه دکتری رشته جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مبارکی، محمد و سمیه صلاحی (۱۳۹۲) «کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی»، رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۰: ۲۷۵-۳۱۵.
- نادری، احمد، ابراهیم شیرعلی و سجاد قاسمی کفرودی (۱۳۹۳) «بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (نمونه موردی: محله نعمت‌آباد)»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۳: ۷-۲۰.
- ناطق پور، محمد جواد (۱۳۸۳) «توسعه و تعلق اجتماعی با تأکید بر نقش شوراهای اسلامی»، آموزش علوم اجتماعی، دوره ۷ شماره ۲: ۳۲-۲۸.
- Anton, C. E. & C. Lawrence, (2014) "Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation", *Journal of Environmental Psychology*: 40: 451-461.
- Brown, G & C. Raymond (2007) "The relationship between place attachment and landscape values: Toward mapping place attachment", *Applied Geography* 27(2): 89-111.
- Brown, R.B. (1993) "Rural community satisfaction and attachment in mass consumer society", *Rural Sociology* 58(3):387-403.
- Demi, M. Ann., D. K. McLaughlin & A. R. Snyder (2009) "Rural youth residential preferences: Understanding the youth development-Community development nexus", *Community Development*, 40 (4): 311-330.
- Goudy, W. J (1990) "Community attachment in a rural region", *Rural Sociology* 55(2):178-198.
- Gross, M. J. & G. Brown (2006) "Tourism experiences in a lifestyle destination setting: the roles of involvement and place attachment", *Journal of Business Research* 59(6): 696-700.

- Hidalgo, M. Carmen & Bernardo Hernández, (2001) "Place attachment: Conceptual and empirical questions", *Journal of Environmental Psychology* 21:273-281.
- Jones, G. (1995) *Leaving home*. Buckingham, UK: Open University Press.
- Jones, G. (1999) "The same people in the same places? Socio-spatial identities and migration in youth". *Sociology*, 33(1), 1-22.
- Knez, I. (2005) "Attachment and identity as related to a place and its perceived climate", *Journal of Environment Psychology* 25(2): 207-218.
- Long, J., S. Faught & C. Johnson (2012) "Roles of community satisfaction and community attachment in the out-migration of rural residents", *Journal of Management and Marketing Research* 11: 1- 11.
- Manzo, L. C. (2005) "For better or worse: exploring multiple dimensions of place meaning". *Journal of Environmental Psychology*, 25, 67-86.
- Manzo, L. C. & , D. D. Perkins (2006) "The Importance of Place Attachment to Community Participation and Planning", *Journal of Planning Literature*, Vol. 20, No. 4: 335-350.
- Pretty, G., P. Bramston; J. Patrick & W. Pannach (2006), "The relevance of community sentiments to Australian rural youths' intention to stay in their home communities". *American Behavioral Scientist*, 50 (2): 226-240.
- Raymond, Christopher & et al (2010), "The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections", *Journal of Environmental Psychology* 30 (2010) 422-434.
- Scannell, L. & R. Gifford (2010), "Defining place attachment: A tripartite organizing framework", *Journal of Environmental Psychology* 30: 1-10.
- Schroder, C. J. (2008), "Attachment to place in New Zealand", *New Zealand Population Review*, 33/34: 177-212.
- Theodori, G. L. (2000). "Examining the effects of community satisfaction and attachment on individual well-being". *Rural Sociology*: 66(4): 618-628.
- Trell, E. M.; B. van Hoven & P. Huigen (2012), 'It's good to live in Järva-Jaani but we can't stay here': Youth and belonging in rural Estonia", *Journal of Rural Studies* 28: 139-148.
- Tuan, Y (1980), "Rootedness versus Sense of Place", *Landscape*. 24(1):- 3-8.
- Williams, D. R. & et al (1992). "Beyond the commodity metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place". *Leisure Sciences*, 14: 29-46.
- Williams, D. R., & J. J. Vaske (2003), "The measurement of place attachment: validity and generalization of a psychometric approach", *Forest Science*, Vol 49, No 6: 830-840.
- Wu, M.Y.; & Y. M. Tsai (2008), "Effects of socio-spatial factors on community attachment: A study of the urban community in Shihlin", *Journal of Population Studies*, No. 36:. 1-35.